

زمزمه های حضور " داعش " در افغانستان

در جریان روزهای اخیر، زمزمه های دلهره آور مربوط به حضور تروریستهای داعشی در بعضی از نقاط افغانستان بگوشها میرسد. این زمزمه های نا هنجار، طبعاً برای مردم افغانستان که از سالها به اینطرف، رنجهای عمیق ناشی از جنایت های گروه های سیه اندیش تفنگ بدست، کشتار ها و نا مردمی های گروه تروریستی طالبان را با گوشت و پوست خویش لمس کرده اند، سخت نگران کننده و هولناک است.

گروه داعش یا ظاهراً پیروان ابوبکر البغدادی خلیفه خود ساخته مسلمانان، که در سالهای اخیر، توسط ابر قدرت های جهان و شبکه استخبارات اسرائیل (موساد) ساخته و پرداخته شد، با نقاب های چرگین، دستهای خون آلود، سینه های پُرکین و اندیشه های سیاه غیر انسانی، با بی باکی تمام و بیرحمی بی مانند دست به آدمکشی و جنایت های قرون وسطایی زده اند، چنان دهشت و نفرت بی سابقه در سراسر جهان برپا داشته اند که وقتی نام از داعش برده میشود، زوال دردناک انسانیت و سقوط ارزشهای بشری پیش چشم همه گان متبلور میگردد.

ما قبلاً گفته بودیم که داعش بازوی نظامی استعمار بوده و به منظور صاف کردن راه برای عبور هودج نشینان طرح " خاورمیانه بزرگ " به میدان آورده شده است. چنانکه بعداً جوان فراری امریکا بنام " اسنودن " که در اسرار آمیزترین کانون جاسوسی امریکا مشغول بکار بود و بعداً به روسیه پناهنده شد، نیز افشا کرد که رهبر داعش برای مدت یکسال از سوی (موساد) آموزش های لازم دیده و برای خونریزی گسترده در خاورمیانه آماده ساخته شد.

وقتی نظم جنگی، ابزار و وسایل پیشرفته، ثروت و شتارت، بیرحمی و اشغالگری و تبارزانی، موج وار و پیروزمندانه این نیروی ظاهراً مذهبی با ادعای بلند بالای " خلافت اسلامی " آنها در سرزمین های عراق و سوریه رامنظر گیریم، این واقعیت نزد ما کاملاً آشکار میشود که هیچ نیرویی در جهان، با چنین شیوه برآمد، با چنین سرعت و قابلیت در عمل و چنین پیشرفت برق آسای جنگی، هرگز بدون اسباب و دلایل عینی و مادی ممکن و . . . میسر نبوده است.

وقتی زمزمه های حضور داعش در مناطقی از افغانستان بگوشها میرسد، در عین زمان، پرسش های زیادی نیز در اذهان خطور میکند. مثلاً، گروه داعش یا همان دولت اسلامی عراق و شام چه ارتباطی با افغانستان خواهد داشت؟ منظور داعش یا اربابان آن در افغانستان چیست؟ آیا داعش میتواند واقعاً در چنین یک خطه خاص بنام افغانستان حضور یابد؟ داعش چگونه و با چه وسیله ای خواهد توانست در این بیشه

جهان حضور داشته و متشکل شود؟ آیا افغانستان بستر مساعد برای چنین گروه مذهبی خونریز و بی عاطفه خواهد بود؟ و ده ها پرسش دیگر.

ما، اینک میکوشیم با شناختی که از عمیق جامعه افغانی داریم و با چگونه گی وضعیت فکری - سیاسی و اجتماعی که از چندین سال به اینسو در هوا و فضای افغانستان حاکم است و همچنان، با در نظر داشت موقعیت خاص و زیان پذیر کشور، نکاتی را در مورد حضور این پدیده منفور استعماری بعرض برسانیم:

نخست باید گفت که ایجاد، ارسال، تشکل و حضور پدیده های استعماری، آنها در پناه همه گونه ترفند و تزویر و همه نوع امکانات مادی و تبلیغاتی و اطلاعاتی، چنانکه تجربه ثابت کرده است، در هر گوشه یی از جهان امروزی ما مقدور است و هرگاه در کدام گوشه و بیشه یی که مقدور هم نباشد، باز هم در پناه زور، زر، تزویر و برنامه ریزی های ماهرانه و بی سابقه، مقدور و میسر ساخته میشود. پس خطه افغانستان هم نمیتواند از این روند مستثناً بماند. مادام که پدیده پلید استعماری بنام " طالبان " هم در خاک عرفان زای افغانستان حضور یافت و به حاکمیت رسانیده شد، بیرق ظلمت افزای پدیده داعش نیز میتواند به همان ساده گی در مناطق مختلف کشور ما به اهتزاز در آورده شود.

آنچه در اینجا قابل غور و بررسی پنداشته میشود، عبارت از اینست که گاهگاهی میان مخلوقات استعماری، تضادهای درونی و یا منافع مادی تبارز نموده موجب اصطکاک آنها میشود، و اما در صورتیکه پای شعبده باز ماهر دنیای استعمار در میان باشد، رام کردن، ارضا کردن، مجازات یا تعویض جوانب متمرّد و ناسازگار، کار چندان دشواری نخواهد بود.

تردید نیست که خود نمایی ها، انحصار طلبی ها و اعلام خلافت اسلامی از سوی رهبر داعش، همانطور که رژیم های اسلامی در منطقه و جهان را به مصاف می طلبد، گروه کم فهم طالبان و رهبری دانش آنها را نیز نا راحت میسازد، و اما اگر شعبده بازان بزرگ که جلو دار اصلی چنین مخلوقات هستند خواسته باشند، میتوانند چنین تضاد و تقابل را به ساده گی از میان بردارند و چاکران شان را به آسانی معاوضه نمایند. کمترین تردید وجود نخواهد داشت هرگاه گفته شود که قدرت های مداخله گر و استعماری منطقه و جهان از میان همین گروه تروریستی از قبل ساخته شده (طالبان) که از تجارب زیاد جنگی و انسانکشی و بیرحمی هم برخوردار هستند، گروهک تروریستی دیگری مثلاً اینبار بنام " داعش " بسازند و در آن مرود اشتهار هم بکنند و در پناه بزرگ سازی و بزرگ نمایی آنان، برنامه های باقیمانده جهانکشایانه خویش را در سرزمین های مورد نظر و از جمله، افغانستان پیاده نمایند.

آنچه در افغانستان امروز متأسفانه مایوس کننده است، اینست که بستر فکری و ذهنی برای پذیرش چنین پدیده های رجعت گرای ظلمت گستر، ظرف سال های پسین آماده تر ساخته شده است.

وقتی عملاً دیده شد که دو قدرت بزرگ جهانی (روس و امریکا) در میدان خونین افغانستان تقابل کردند، هر چند میان خودشان تضاد منافع شدید بوده و در دفع و ترد یکدیگر با تمام قوت میکوشیدند، ولی در عین حال، در جهت قلع و قمع روشنفکران، چیز فهمان، میهن پرستان، عناصر واقعاً ملی و مردمی و انقلابیون واقعی افغانستان و نیز فرار دادن مغز ها به خارج، مشترکاً عمل کردند.

همین سلسله از کنارزدن ها و فرار دادن مغزها و سرکوب نیرو های آزادیخواه و مترقی تا هنوز که هنوز است، بگونه هایی ادامه دارد. اینهمه تلاشِ قدرتهای استعماری در افغانستان به این منظور صورت میگیرد تا هیچ مانع بالقوه و بالفعل در برابر برنامه های ارتجاعی و استراتژیک آنها باقی نمانده این سرزمین باستانی و آزادی پرور، برای همیشه بستر مساعد برای حضور و تبارز نیرو های سیه اندیشِ طالبی و تکفیری و داعشی و امثالهم باشد. زیرا در تحت چنین اوضاع و احوال است که آنها میتوانند هر آنچه خواسته باشند و منافع و مطامع شان حُکم کند، در کشور عزیز ما انجام دهند.

با این شرح مختصر و به این وسیله به تمام هموطنان گرامی هشدار میدهم تا فریب لافیدن های میان خالی حلقاتِ دولتی کشور را که با هر نوع راه و رسم عقب گرایانه فکری و سیاسی سازگاراند و در تبانی و معامله گری با خودی و بیگانه هم آماده هستند، نخورند و با تمام هشیاری و توانمندی، در هر گوشه و کنار کشور، آماده مقابله و دفاع در برابر افراد و گروه های سیاه دل و سیاه کردار طالبی و داعشی و دکانداران مذهبی باشند. (پایان)